

فساد مالی و اصلاحات اقتصادی در ایران

دکتر سیدحسین میرجلیلی^۱

چکیده

فساد مالی، سوء استفاده از قدرت (مقام و منصب) دولتی برای کسب منافع شخصی یا گروهی است. انحصارها، ساختار اقتصادی رانت زا، و فقر عمومی، عوامل اقتصادی هستند که با فساد مالی در اقتصاد ایران دارای همبستگی مثبت می‌باشند و اقتصاد ایران را به یک اقتصاد جرم خیز تبدیل نموده اند. برخی اصلاحات اقتصادی برای مبارزه با فساد مالی در اقتصاد ایران عبارتند از: پی‌گیری سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی، بازنگری نقش و وظایف دولت در اقتصاد، رانت زدایی از اقتصاد و پی‌گیری سیاستهای ضد انحصار و ایجاد رقابت در اقتصاد.

۱- مقدمه

معضل فساد مالی طی چند دهه اخیر گسترش یافته و آگاهی نسبت به آن افزایش پیدا کرده است؛ به گونه ای که هم اکنون به یک معضل جهانی تبدیل و تاکنون هشت کنفرانس بین المللی در این زمینه برگزار شده و علل، پیامدها و راهکارهای مبارزه با آن مطرح شده است. کشور ما نیز متأسفانه از این پدیده ناپسند به دور نبوده و فساد مالی طی سالهای گذشته در ایران گسترش یافته است.

در این مقاله ابتدا طرح پژوهش مطرح و در آن ضرورت، اهداف، سؤالها، فرضیه ها و روش تحقیق شرح داده شده است. سپس ادبیات نظری مربوط به فساد مالی و عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی موثر بر فساد مالی، مطرح و طی آن نکات مهم مقالات مربوطه (پژوهشهای قبلی) ذکر شده است. بخش بعدی مقاله به آزمون فرضیه اختصاص دارد که طی آن وابستگی فساد مالی با برخی متغیرهای کلان اقتصادی مورد بررسی آماری قرار گرفته و بر این اساس اصلاحات اقتصادی برای مبارزه با فساد مالی در ایران پیشنهاد گردیده است. نتیجه گیری آخرین بخش مقاله را تشکیل می‌دهد.

۱. استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲- طرح پژوهش

۲-۱- ضرورت

ضرورت این بررسی از آن جهت است که تعداد پرونده های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل در دادگاههای عمومی از ۱۴۳۳۴ پرونده در سال ۱۳۷۳ به ۱۸۹۰۷۰ پرونده در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. این روند باعث شده است که فساد مالی به یکی از معضلات اقتصادی کشور تبدیل شود. جدول شماره (۱) پرونده های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل در دادگاههای عمومی طی سالهای ۷۹ - ۱۳۷۳ را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود طی ۷ سال تعداد پرونده های رسیدگی شده بیش از ۱۳ برابر افزایش یافته است که نشانگر گسترش سریع فساد مالی در بخش دولتی است.

جدول ۱- پرونده های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل^۱

در دادگاههای عمومی (۷۹ - ۱۳۷۳)

سال	تعداد پرونده
۱۳۷۳	۱۴۳۳۴
۱۳۷۴	۸۴۳۵۱
۱۳۷۵	۱۰۲۶۴۱
۱۳۷۶	۱۲۷۱۲۴
۱۳۷۷	۱۴۱۳۴۴
۱۳۷۸	۱۶۳۶۶۷
۱۳۷۹	۱۸۹۰۷۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سالهای ۱۳۷۳ - ۱۳۷۹

۲-۲- اهداف

دو هدف اصلی این بررسی عبارتند از:

الف - شناخت پدیده فساد مالی و عوامل مؤثر بر آن؛

ب - بررسی وابستگی فساد مالی با برخی متغیرهای اقتصادی ایران.

1. Embezzlement , bribery and forgery.

۲-۳- سؤال ها

پرسش های این بررسی عبارتند از :

الف- آیا فقر عمومی با بروز فساد مالی در اقتصاد ایران وابستگی دارد؟

ب- آیا سهم زیاد دولت در اقتصاد ایران با فساد مالی وابستگی دارد؟

ج- آیا رانت طلبی در اقتصاد ایران با فساد مالی وابستگی دارد؟

۲-۴- فرضیه ها

حدس های علمی برای پاسخ به پرسش های این بررسی، به شرح زیر است:

الف- فقر عمومی با فساد مالی همبستگی مثبت دارد؛

ب- سهم زیاد دولت در اقتصاد با فساد مالی همبستگی مثبت دارد؛

ج- رانت نفت با فساد مالی همبستگی مثبت دارد.

۲-۵- روش پژوهش

روش پژوهش، روش آماری و تحلیلی است. از طریق محاسبه ضریب همبستگی به آزمون فرضیه های یاد شده، پرداخته می شود. باید توجه داشت که به دلیل ماهیت پدیده فساد مالی که همواره با مخفی کاری همراه است و همچنین به دلیل قانونی نبودن، آمار لازم برای بررسی کمی در دسترس نیست. به همین لحاظ دو روشی که بیشتر توسط مؤسسات برای بررسی مورد استفاده قرار گرفته است، روش پرسش نامه برای تحقیق پیمایشی و روش آماری از طریق ضریب همبستگی است. در بررسی این مقاله، روش آماری اتخاذ شده است.

۳- تعریف فساد مالی

بانک جهانی، فساد مالی را سوء استفاده از قدرت (مقام و منصب) دولتی برای کسب منافع شخصی^۱ تعریف کرده است.^۲ برخی اوقات، سوء استفاده از قدرت بخش عمومی لزوماً برای کسب منافع شخصی نیست بلکه برای تامین منافع گروههای خاص، دوستان، خانواده و ... است. همچنین تمامی موارد فساد مالی نتیجه اش پرداخت رشوه نیست. فساد مالی نوعی رانت جویی است ولی تمامی موارد رانت جویی فساد مالی نیست. اصطلاح فساد مالی (corruption) از واژه لاتین corrumpere گرفته شده که به معنای شرکت چند نفر (دست کم دو نفر) در فعالیتی است که هدفش تخریب، نابودی یا خسارت زدن به حاکمیت باشد.^۳

1. abuse of public office for private gain.

۲. بانک جهانی، "دولت در جهان در حال تحول"، ۱۳۷۸، ص ۲۵۷ و رابرت کلیگارد، "چه می توان کرد"، ص ۳۴.

3. Inna Cabekova, "Corruption : Economic perspective and Historical Prerequisites in the Post Soviet Vnion Countries"; C.E.R.G.El; 2001; p.4.

شلایفر و ویشنی^۱ فساد مالی را فروش دارایی دولتی توسط دست اندرکاران دولت برای نفع شخصی می دانند.^۲ پاسبه فساد مالی را سوء استفاده از قدرت، استفاده نادرست از اداره دولتی برای نفع مستقیم یا غیر مستقیم تعریف می کند. نفع شخص غیر مستقیم نفعی است که به طور ناشایستی برای سازمان وی (مانند: موسسه دولتی) تامین می شود.^۳

تعاریف یاد شده نگرش خردی به این پدیده دارد و بر نقش دست اندرکاران دولتی در اقدامات فساد مالی تأکید می کند اما فاقد دیدگاه کلان است و فساد مالی بخش خصوصی را شامل نمی شود. در شرکتهای بزرگ خصوصی نیز فساد مالی در خرید یا حتی در استخدام وجود دارد. از سوی دیگر به این پدیده به عنوان ماهیت جمعی^۴ نمی نگرد.

۴- مروری بر ادبیات نظری مربوط به فساد مالی

بررسی علل وقوع فساد مالی در علم اقتصاد به ۳۰ سال قبل باز می گردد که اقتصاد دانان رانت جویی را مطرح نمودند و فعالیتهای رانت جویی غیر قانونی، فساد مالی نامیده شد.

۰. ویتوتانزی عوامل موثر بر فساد مالی در بخش دولتی را به دو دسته تقسیم می کند: مستقیم و غیر مستقیم. از نظر تانزی عواملی که مستقیماً در فساد مالی نقش دارند عبارتند از:

مقررات و اختیارات دولت، مقررات مالیاتی، تصمیمات مربوط به مخارج دولت، عرضه کالاها و خدمات در زیر قیمت های بازار، تصمیمات براساس مصلحت و تأمین مالی احزاب. عوامل غیر مستقیم فساد مالی نیز عبارتند از: کیفیت بوروکراسی، سطح دستمزدهای بخش عمومی، نظامهای مجازات، کنترل های نهادی، شفافیت قواعد، قوانین و فرایندها و الگوی رفتار رهبران^۵

۰. پائولو مائورو منشأهای فساد مالی در بخش دولتی را در موارد زیر می داند: محدودیتهای تجاری، یارانه های دولت، کنترل های قیمتی، نرخ چند گانه و برنامه تخصیص ارز، دستمزدهای پایین در بخش دولتی، موجودی منابع طبیعی و عوامل جامعه شناسانه.^۶

۰. U.N.D.P در مطالعه ای علل اقتصادی فساد مالی (رشوه) در بخش دولتی را در زمینه های زیر می داند: پرداختهایی که عرضه و تقاضا را برابر می کند، پرداخت رشوه به عنوان عامل ایجاد انگیزه در کارکنان، رشوه به عنوان کاهش هزینه (ارباب رجوع)، پرداخت برای به دست آوردن قراردادهای بزرگ، پرداخت برای

4. Andrej Sheifer and Robert Vishny; "Corruption"; Quarterly Journal of Economics; August 1993; p. 601.

5. Sale by government officials of government property for personal gain.

6. Nikos Passas , "Causes and Consequences of Corruption" , P.1.

1. aggregate.

2. Vito Tanzi; "Corruption Around the World, causes, Consequence, Scope and Cures," I.M.F Staff Papers; Vol. H5; No. 4; Dec. 1998; pp. 565-576.

3. Paolo Mauro, "Corruption : Causes, Consequences and Agenda for Further Research"; Finance & Development; March 1998; pp.4-6.

کسب امتیازات و بنگاههای خصوصی شده، پرداخت برای خریدن شخصیت‌های با نفوذ سیاسی و پرداخت برای اثر گذاری بر تصمیمات قضایی.^۱

۱. نیکلاس پاساس علل وقوع فساد مالی را عدم تقارن های جرم خیزی می‌داند. عدم تقارن‌ها، بازار کالاها و خدمات غیر قانونی را تشدید می‌کند، شفافیت را کاهش می‌دهد و مانع حساب رسی جهت کنترل فعالیتهای غیر قانونی می‌شود و برای اقدام به معاملات غیر قانونی، انگیزه ایجاد می‌کند. مهمترین زمینه‌های مطرح شده توسط پاساس عبارتند از: عدم تقارن مقررات در بانکداری و نظام مالیاتی، عدم تقارن های اجرایی (نظام اداری ناکارآمد)، عدم تقارن های اقتصادی از جهت توزیع درآمد. موارد یاد شده در بخشی از جامعه یأس ایجاد می‌کند و توجیه فساد مالی برای باز توزیع ثروت را تقویت می‌کند. انحصارها به دلیل شرایط نامتقارن از لحاظ فضای رقابتی، پدید آمده است. عدم تقارن عرضه و تقاضا به دلیل مداخله دولت در بازار از طریق اجرای سیاستهای حمایتی مانند: یارانه یا کنترل قیمت نیز ایجاد می‌شود و شرایط لازم را برای انواع قاچاق کالا فراهم می‌کند. بنابراین عدم تقارن زمینه بروز فساد مالی است.^۲

۲. ترسمان^۳ در بررسی علل فساد مالی کشورها از هفت شاخص فساد مالی استفاده نموده است که در گزارش ریسک تجاری کشورها طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی مطرح شده است. نتیجه بررسی ترسمان این است که کشورهای دارای سنت‌های مذهب پروتستان، پیشینه حاکمیت انگلستان، اقتصادهای توسعه یافته تر و شاید کشورهای با واردات بیشتر، فساد مالی کمتری دارند. دولتهای فدرال "فساد" بیشتری دارند و مردم سالاری بیشتر منجر به فساد مالی کمتر شده است.

۵- عوامل اقتصادی موثر بر فساد مالی در ایران

مهمترین عوامل اقتصادی که بر فساد مالی در کشورمان مؤثرند عبارتند از:

۵-۱- مداخله ها و تصدی های غیر ضروری دولت در اقتصاد

فساد مالی در جایی است که وجود محدودیت و مداخله زیاد دولت دستیابی به سود نامعقول را ممکن ساخته است.^۴ گستره وسیع مداخلات دولت در امور اقتصادی و غیر قابل پیش بینی بودن دوره زمانی و نحوه مداخلات از جمله مشکلات فراروی فعالیتهای اقتصادی در ایران است.^۵ برای بسیاری از فعالیت‌ها باید مجوزهای لازم را از دولت دریافت نمود. وجود مقررات و تصدی های یاد شده نوعی قدرت انحصاری برای مسؤولان نهادهای صادر کننده مجوز و ناظر بر فعالیتها ایجاد می‌کند. کارکنان دولت می‌توانند از صدور

1. U.N.D.P: "Corruption and Good Governance"; Discussion Paper; No.3; July 1997; pp.1-33.

2. Nikos Passas; "Causes and Consequences of Corruption"; &th International Anti-Corruption Conference; 1997; pp. 1-2.

3. Davies Treisman; "The Causes of Corruption : a Cross- National Study"; Journal of Public Economics; vol. 76; 2000; p. 399.

۴. رشل آندریا مبلومبادانا، "فساد و آشنابازی"، ص ۳۶.

۱. سازمان برنامه و بودجه، "سند برنامه سوم"، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه (جلد اول)، ص ۶۱.

مجوزهای لازم امتناع کنند یا ماهها یا حتی سالها از انجام امور طرفه روند یا از افراد متقاضی مجوز، رشوه دریافت کنند. در چنین شرایطی افرادی به عنوان واسطه یا کار چاق کن برای به دست آوردن این مجوزها عمل می‌کنند. وجود این مقررات نیاز به تماس مکرر میان شهروندان و بوروکراتها ایجاد می‌کند. همچنین مستلزم صرف وقت زیادی توسط شهروندان در به دست آوردن این مجوزها و سرو کار داشتن با مسوؤلان بخش عمومی است. پرداخت رشوه راهی برای کاهش زمان و موانع یاد شده است.¹

۵-۲- نظام مالیاتی ناکارآمد و غیر شفاف

مالیاتی مبتنی بر قوانین مالیاتی روشن که مستلزم تماس میان مالیات دهندگان و ممیز های مالیاتی نباشد، احتمال بسیار کمی دارد که به فساد مالی منجر شود. اما هنگامی که موقعیت های زیر وجود داشته باشد، فساد مالی یک مسأله مهم در ادارات مالیات و گمرک است:

فهم قوانین مالیاتی مشکل باشد و بتوان آنرا به صورت های مختلفی تفسیر کرد، به گونه ای که مالیات دهندگان برای عمل به آنها نیاز به کمک داشته باشند؛

پرداخت مالیات مستلزم تماس مکرر میان مالیات دهندگان و مأموران مالیاتی باشد؛

حقوق مأموران مالیاتی پایین باشد؛

فساد مالی مأموران مالیاتی نادیده گرفته شود، به آسانی کشف نشود یا حتی وقتی کشف می‌شود با ملایمت با آنان برخورد شود؛

رویه های اجرایی شفاف نباشد و در ادارات مالیات و گمرک نظارت دقیق وجود نداشته باشد؛

مأموران مالیاتی در اخذ تصمیمات مهم مانند اعطای مشوق های مالیاتی، تعیین بدهی های مالیاتی، انتخاب حسابرسان، اقامه دعاوی و ... مصلحت اندیشی زیادی داشته باشند؛

کنترل های دولت بر مأموران مالیاتی ضعیف باشد.

یکی از ایرادهای اساسی نظام مالیاتی ایران از دیدگاه قوانین و مقررات، وجود معافیت ها و تخفیف های مالیاتی است. از این گونه موارد به عنوان راه گریز استفاده می‌شود و اگر بخش اجرایی مالیات بخواهد میزان کنترل خود را افزایش دهد، هزینه کار خیلی زیاد می‌شود. نسبت معافیت های اعطا شده در مورد مالیات بر درآمد به درآمد سرانه در ایران بیش از یک می‌باشد که در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. معافیت های اعطا شده در قوانین گمرکی بسیار گسترده و متعدد می‌باشد و غالباً شکل سستی داشته و براساس برنامه خاصی اعطاء نشده است.

قوانین فعلی مالیاتی کشور اولاً: از لحاظ عبارتی و دستوری پیچیده‌اند که این امر ابهام هایی را در تعبیر آن به وجود آورده است و ثانیاً: احکام مندرج در آن بعضاً مشروط می‌باشند و از استحکام لازم برخوردار نیستند (مانند ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم). مشکل دیگر نظام مالیاتی کشور اتکاء بر افراد به جای

2. Paolo Mauro , "Corruption , ..." 1998 ; p . 11 and Vito Tanzi ; "Corruption Around the World" ; 1998 ; p. 566.

ضوابط به دلیل تشخیص علی الرأس و اختیارات قانونی ممیز و جایگزینی قضاوت شخصی به جای واقعیات است.^۱

۵-۳- تصمیمات مربوط به مخارج دولتی

فساد مالی می‌تواند بر مخارج بخش عمومی نیز از طریق موارد زیر اثر گذارد:

الف) پروژه‌های عمرانی ملی و استانی به دلیل پافشاری برخی وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، استاندار یا شخصیت‌های مذهبی استان، ارزیابی هزینه - فایده نمی‌شود و بدلیل نبود نظارت دچار فساد مالی می‌شود. در مواردی، پروژه‌های عمرانی فرصت‌هایی فراهم می‌کند که در مواردی دست‌اندرکاران از مجریان پروژه‌ها، کمیسیون دریافت کنند. این مسأله بهره‌وری مخارج دولتی را کاهش می‌دهد و منجر به ایجاد پروژه‌هایی می‌شود که براساس تحلیل هزینه - فایده قابل توجیه نیست.

ب) مخارج مربوط به خرید کالاها و خدمات توسط دولت نیز دچار فساد مالی است. برای کاهش امکان وقوع فساد مالی در این زمینه می‌توان از رویه‌های پیچیده و پرهزینه استفاده کرد ولی نتیجه آن افزایش شدید قیمت کالاها است. حسابهای فراتر از بودجه^۲ که برای اهداف خاصی مانند کاهش کنترل‌های اداری استفاده می‌شود، منشأ دیگر فساد مالی است. به دلیل نبود شفافیت و کنترل مؤثر، بخشی از این مبالغ در موارد غیر قانونی استفاده می‌شود. از سال ۱۳۵۷ در حدود دو سوم مخارج واقعی بخش عمومی مخارج، خارج از بودجه بوده است و در بودجه دولت ذکر نشده است. از پیامدهای منفی چنین مخارجی این است که در اثر غیر شفاف بودن منابع مالی خارج از بودجه و کنترل و نظارت ضعیف بر این قبیل منابع احتمال سوء استفاده و تبانی (فساد مالی) افزایش می‌یابد.

منابع مالی خارج از بودجه از مداخله دولت در بازار اعتبارات، ارز و سوخت به دست می‌آید. بخش از اعتبارات بانکی صرف تأمین مالی کسری دولت می‌شود و به صورت وام در اختیار شرکت‌های دولتی قرار می‌گیرد. در قانون بودجه، تبصره‌هایی وجود دارد که به دولت اجازه می‌دهد با استفاده از منابع بانکی با نرخهای پایین از فعالیتهای خاصی حمایت کند. مشخصه مهم استفاده از این قبیل منابع آن است که نظارت‌های مرسوم بودجه‌ای را دور می‌زند.^۳ نتیجه امر، رانت جویی برای کسب منابع مالی ارزان بانکی است. همین بحث در مورد بازار ارز و سوخت مصداق دارد.

۱. سازمان برنامه و بودجه، "سند برنامه سوم"، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد اول، شهریور ۱۳۷۸، صص ۱۰۵ -

۱۰۳.

2. Extra – Budgetary Accounts.

۱. هادی صالحی اصفهانی و فرزاد طاهری پور، مخارج خارج از بودجه و سیاست مالی در ایران، ص ۲۸۷.

۵-۴- عرضه کالاها و خدمات در پایین‌تر از قیمت بازار

هنگامی که دولت کالاها، خدمات و منابع مانند ارز، اعتبار بانکی، برق، آب، مسکن دولتی، برخی کالاهای سهمیه بندی شده، دسترسی به تسهیلات آموزشی و بهداشتی و زمین های دولتی و را در قیمت‌های پایین‌تر از قیمت بازار عرضه می‌کند، در کنار آن رانت جویی شکل می‌گیرد و برخی افراد برای دسترسی به کالاها در پایین‌تر از قیمت بازار به فساد مالی متوسل می‌شوند.^۱

۵-۵ - تصمیم‌گیری براساس مصلحت^۲ در امور اقتصادی

مهمترین زمینه های فساد مالی بخاطر تصمیم‌گیری براساس مصلحت عبارتند از :

- ۱- اعطای مشوق های مالیاتی در مالیات های مستقیم و غیر مستقیم و در حقوق گمرکی و سود بازرگانی؛
 - ۲- تصمیمات مربوط به کاربری خاص زمین که تعیین می‌کند آیا قطعه ای از زمین می‌تواند تنها برای کشاورزی استفاده شود و لذا ارزش بازاری پائینی دارد یا برای ساختمانهای بلند نیز می‌تواند استفاده شود و لذا بسیار گران خواهد بود و یا تصمیم‌گیری در مورد اعطای تراکم ساختمان که همین تبعات را به دنبال دارد.
 - ۳- تصمیمات مربوط به استفاده از زمین ها و امکانات دولتی که منافع زیادی برای دریافت کننده دارد. موارد زیادی از فساد مالی در زمینه صدور مجوز برای قطع درختان جنگل های عمومی یا بهره برداری از منابع معدنی موجود در زمین های دولتی یا استفاده از امکانات دولتی وجود دارد؛
 - ۴- تصمیماتی که به سرمایه‌گذاری های کلان خارجی مجوز می‌دهد که اغلب برای سرمایه‌گذاران، قدرت انحصاری ایجاد می‌کند؛
 - ۵- تصمیمات مربوط به فروش دارایی های بخش دولتی؛
 - ۶- تصمیمات مربوط به خصوصی سازی شرکت های دولتی و شرایط آن؛
 - ۷- تصمیمات مربوط به اعطای قدرت انحصاری به فعالیتهای داخلی، صادراتی و وارداتی خاص.
- چنین تصمیم‌هایی برای افراد یا شرکت ها بسیار مهم است. طبیعی است که برخی از آنها تلاش کنند، با پرداخت رشوه و برقراری روابط شخصی نزدیک با مسؤولان دولتی، تصمیم‌گیری آنها را تحت تأثیر قرار دهند. معمولاً رشوه به دولتمردانی پرداخت می‌شود که حقوق و مزایای آنها اندک است و بهای وسوسه کردن^۳ این افراد بسیار کمتر از نفع بالقوه ای است که یک تصمیم مطلوب برای رشوه دهنده ایجاد می‌کند.^۴

2. Paolo Mauru , "Why Worry ... " ; 1997 ; PP.4.

3. Discretionary Decision..

1. Temptation price.

2. Vito Tanzi , "corruption Around the World", 1998 , pp. 570.

۵-۶- محدودیتهای تجاری

محدودیتهای تجاری مثال بارزی برای عوامل اقتصادی مؤثر بر فساد مالی است. اگر واردات کالاهای معینی مشروط به محدودیت کمی باشد، مجوزهای لازم برای واردات بسیار با ارزش می شود و برخی واردکنندگان، دست اندرکاران بازرگانی خارجی را آلوده می کنند. از سوی دیگر محدودیت های تجاری، شبه انحصار برای صنعت داخلی ایجاد می کند و صنعتگران داخلی برای ایجاد و حفظ آن تعرفه ها، لابی خواهند کرد.^۱

برآوردهای کارشناسی نشان می دهد که طی دوره ۷۵ - ۱۳۶۷ در کشور سالانه حدود دو میلیارد دلار کالای قاچاق صادر و یا وارد می شود. طبق آمار رسمی نیروی انتظامی، قاچاق کالا از لحاظ ارزش، طی سالهای ۷۶ - ۱۳۷۴ بیش از دو برابر افزایش داشته و به ۸۶۰ میلیارد ریال رسیده است. مهمترین عوامل افزایش قاچاق کالا را باید موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای بویژه برای کالاهای مصرفی و لوکس، پیمان سپاری و تعیین نرخ دلار صادراتی از سوی دولت عنوان کرد.^۲

عامل دیگر مؤثر بر فساد مالی در گمرکات و قاچاق کالا، فرایند پر هزینه، زمان بر و پیچیده واردات قانونی کالا است. متقاضی واردات کالا با داشتن کارت بازرگانی معتبر و کد اقتصادی^۳ پس از اخذ پروفرما، باید با دریافت فرم ثبت سفارش از وزارت بازرگانی و اخذ مجوزهای موردی از وزارتخانه ها (وزارت نفت، بازرگانی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، پست و تلگراف و تلفن، صنایع و معاون و جهاد کشاورزی)^۴، اسناد و مدارک لازم را پس از تکمیل به اداره ثبت سفارش وزارت بازرگانی جهت بررسی تحویل داده، آنگاه در صورت موافقت مسوؤلان ذی ربط، مجوز واردات کالا را دریافت می نماید. سپس به بانک کارگزار مراجعه نموده و گشایش اعتبار می کند و پس از آن نسبت به پرداخت حق بیمه، تعیین موسسه بازرسی و ... اقدام می نماید. در نهایت پس از ورود کالا به گمرکات کشور، جهت اخذ قبض انبار، پرداخت کرایه، انبارداری، تنظیم اظهارنامه گمرکی، پرداخت حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض مختلف (از جمله عوارض شهرداری، هلال احمر، صدا و سیما، آموزش و پرورش، ارشاد و ... که در مجموع شامل حدود ۲۷ نوع عوارض گوناگون می شود) اقدام کند.

آنگاه در صورت موافقت گمرک با اخذ پروانه سبز گمرکی، کالا را ترخیص کرده و سپس جهت پرداخت مالیات به وزارت امور اقتصادی و دارایی مراجعه می نماید. انجام مراحل مذکور بسیار زمان بر و طولانی (به

3. Paolo Mauro, "Why Worry" ... , 1997, P.4.

۴. سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه سوم، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد دوم، شهریور ۱۳۷۸، ص ۱۶۲.

۱. برای اخذ کارت بازرگانی و کد اقتصادی باید مراحل زیر طی شود: مراجعه به اتاق بازرگانی و دریافت فرم مخصوص برای کارت بازرگانی، مراجعه به اداره ثبت و اسناد و دریافت فرم اظهار نامه ثبت با پرداخت وجه. اگر شخص حقوقی است به روزنامه رسمی مراجعه می شود، اگر شخص حقیقی است به اتاق بازرگانی مراجعه می کند و فرم عدم سوء پیشینه دریافت می کند. مراجعه به اداره تشخیص هویت، دریافت عدم سوء پیشینه پس از یک هفته، مراجعه به اتاق بازرگانی و ارائه مدارک، اخذ کارت بازرگانی، ارائه درخواست به دارایی جهت دریافت کد اقتصادی، دریافت کد اقتصادی، مراجعه به معاونت بازرگانی خارجی جهت دریافت کارت ثبت نام با ارائه مدرک و سرانجام دریافت کارت ثبت نام.

۲. در هر یک از وزارت خانه ها مراحل خاص خود وجود دارد.

طور متوسط ۷۰ روز به درازا می‌کشد)، پرهزینه، پیچیده و خسته کننده است؛ در حالی که شبکه گسترده قاچاق بدون طی مراحل مذکور و ظرف مدت بسیار کوتاه و با هزینه بسیار کمتری، کالای درخواستی را در مقصد دلخواه تحویل می‌دهد.

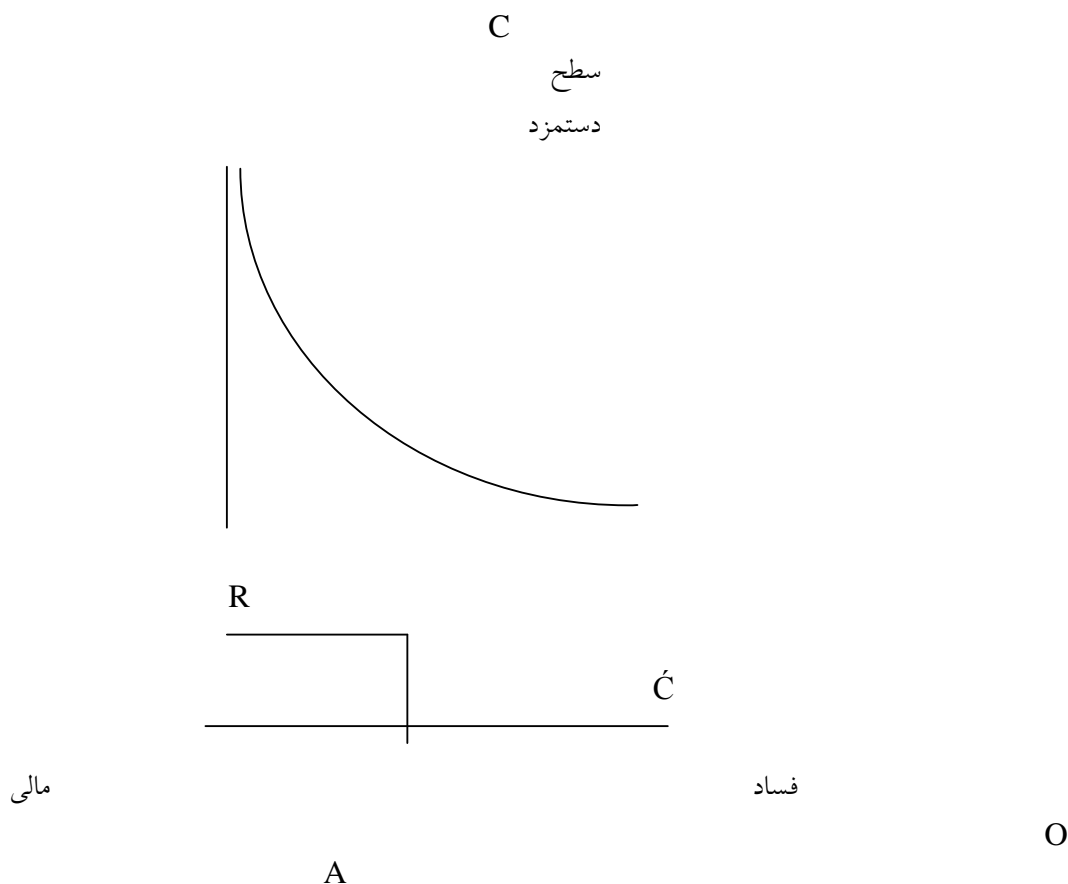
بنابراین مقررات پیچیده و دست و پاگیر برای واردات کالا موجب می‌شود که عده ای از واردکنندگان، کالاهای وارداتی خود را نه به صورت قانونی، بلکه به صورت قاچاق وارد کشور کنند^۱.

۳. م. عباس زادگان و م. سید کباری، "اثر قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا"، ص ۱۱۷.

۷-۵- سطح دستمزدهای پایین در بخش عمومی و دولتی

میزان حقوق کارکنان دولت در تعیین میزان فساد مالی مهم است. در نمودار شماره (۱) منحنی $C \dot{C}$ نشان دهنده بده - بستان سطح فساد مالی و سطح دستمزدهاست. هر قدر سطح دستمزدها بالاتر باشد، فساد مالی کمتر است. اگر OR نشان دهنده سطح حداقل دستمزد مورد نیاز یک کارمند دولت و خانواده وی برای یک زندگی آبرومند باشد، در آن صورت OA فساد مالی ناشی از طمع و بیش از OA ناشی از نیاز می باشد. این نمودار نشان می دهد هر قدر سطح دستمزد پایین تر باشد زمینه فساد مالی بیشتر است.

نمودار ۱- بده - بستان سطح دستمزد با فساد مالی



ریجکهگم و ودر^۱ ارتباط میان سطح دستمزد و شاخص فساد مالی را بررسی کرده اند. آنها با استفاده از داده های مقطعی، به وجود رابطه معنی دار آماری میان میزان فساد مالی و سطح دستمزدها مانند منحنی CC^۲ در نمودار (۱) پی بردند. بدین ترتیب که با افزایش سطح دستمزد، فساد مالی کم شده و برای به حداقل رساندن فساد مالی، میزان افزایش دستمزدها باید زیاد باشد. البته مبارزه با فساد مالی، از طریق افزایش دستمزدها، نیازمند بودجه زیادی است^۳. از سوی دیگر فساد مالی با میزان تفاوت حقوق در بخش دولتی و خصوصی یا آنچه "میزان وسوسه گری" نامیده می شود، رابطه مثبتی دارد.

۵-۸- رانت اقتصادی

کارلوس لیته و جنز ویدمان^۳ به بررسی نظری و تجربی ارتباط میان وفور منابع طبیعی (نفت و...) و فساد مالی پرداخته اند. در این بررسی استدلال نموده اند که وفور منابع طبیعی موجب فرصت هایی برای رفتار رانت جویی است و یکی از عوامل مهم در تعیین سطح فساد مالی در یک کشور می باشد. آنها نشان داده اند که میزان فساد مالی بستگی به وفور منابع طبیعی، سیاستهای دولت و تمرکز قدرت بوروکراتیک دارد. منابع طبیعی، فعالیتهای دارای رانت بسیار بالایی را شامل می شود و رفتار رانت جویی را تسریع می کند. افزایش فرصت های رانت جویی به توزیع یافته های پارادوکسیکال ساچس و وارنر مینی بر وجود ارتباط منفی میان وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی دراز مدت کمک می کند. بدین ترتیب که بخشی از همبستگی منفی میان وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی، ناشی از موضوعی درونزا به نام فساد مالی است.^۴

۶- عوامل غیر اقتصادی موثر بر فساد مالی در ایران

مهمترین عوامل غیر اقتصادی که بر فساد مالی در کشورمان مؤثرند عبارتند از:

۶-۱- وضعیت نظام اداری (بوروکراسی)

راچ و اوانس^۵ اطلاعات مربوط به این مسأله را که شرایط استخدام و ترفیع کارکنان در ۳۵ کشور در حال توسعه تا چه حد براساس شایستگی ها است، جمع آوری و بررسی کردند. نتایج آنها مؤید آن است که به هر اندازه که استخدام و ترفیع کارکنان براساس شایستگی نباشد، میزان فساد مالی افزایش می یابد. استخدام کارکنان بدون در نظر گرفتن انگیزه های سیاسی، پارتی بازی^۶ و تبارگماری^۷ و در عین حال وجود مقررات

1. Rijckeghem and Weder; 1997.

2. Paolo Mauro, "Why Worry ...", 1997; p.6 and vito Tanzi, "Corruption ...", 1998; p. 572.

3. Carlos Leite and Jens Weidman; Does Mother Nature Corrupt? Natural Resources; Corruption and Economic Growth; I.M.F Working Paper; 1999.

4. C. Leite and J. Weidmann, "Does Mother Nature corrupt? Natural Resources, Corruption and Economic Growth", I.M.F Working Paper, 1999.

5. Rauch and Evans.(1997)

1. Patronage.

2. Rijckeghem and Weder.

روشن برای استخدام، ترفیع و ارتقای شغلی کارکنان، در کیفیت نظام اداری نقش دارد. در حال حاضر نظام اداری ایران در اثر گسترش بی رویه و ناکارآمد داخلی خود از مشکلات متعددی رنج می‌برد. مهمترین نارسایی های نظام اداری کشور عبارتند از:

- عدم حاکمیت قانون در نظام اجرایی کشور، تضعیف رفتارهای قانونی در نظام اداری و افزایش بوروکراسی زاید که احقاق حقوق مراجعان را با دشواری مواجه نموده است؛
- فقدان نظام ارزیابی عملکرد دستگاههای اجرایی دولت، شفافیت در نظام اداری کشور را کاهش داده و گسترش تدریجی فساد اداری را به دنبال داشته است؛
- عدم کارایی نظام پرداخت و جبران خدمت و فقدان نظام تشویق و تنبیه؛
- وجود قوانین متعدد، نسخ و منسوخ و عدم شفافیت و منقح بودن آنها^۱.

۲-۶- نظام مجازات^۲ (قوانین جزایی و کیفری)

بر اساس تحلیل کلاسیک جلوگیری از جرم که توسط گری بکر انجام شده است، مجازات های در نظر گرفته شده، نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع جرم دارد و افزایش مجازات ها باعث کاهش فساد مالی می‌شود. بنابراین، قوانین جزایی و کیفری عامل مهمی در تعیین دامنه فساد مالی است.

۳-۶- کنترل های نهادی

به طور کلی مؤثرترین کنترلها آن است که در درون نهادها تعبیه شود. نبود ناظران درست کار، امین و کارآمد، دفاتر حسابرسی دقیق و قوانین شفاف مبتنی بر رفتار اخلاقی می‌تواند عامل پیدایش بروز فساد مالی باشد. برای اینکه کنترل های نهادی بتوانند به وظایف خود عمل کنند، باید مستقل از احزاب سیاسی، مراکز قدرت و شخصیت های قدرتمند باشند. از جمله مسایل شرکتهای دولتی که در سند برنامه سوم ذکر شده است، فقدان سیستم مناسب حساب دهی و ارزیابی مدیران شرکتهای دولتی و ارتباط زیاد ارزیابی ها با روابط و وابستگی های سیاسی مدیران و فقدان سیستم حسابداری برای اعضای هیأت مدیره شرکتهای به هنگام تغییر اعضای هیأت مدیره است^۳.

۴-۶- نبود شفافیت در قواعد، قوانین و فرایندها

نبود شفافیت در قوانین، قواعد و فرایندها، زمینه های مساعدی برای فساد مالی ایجاد می‌کند. قوانین و مقررات به نحوی تنظیم شده است که تنها حقوقدانان کارآزموده قادر به فهم آنها هستند و غالباً این قوانین درباره موضوعات مهم مبهم بوده و تفسیر های متعددی از آنها می‌شود.

۳. سازمان برنامه و بودجه، "سند برنامه"، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد اول، صص ۳۳ - ۳۲.

4. Penalty systems.

۵. سازمان برنامه و بودجه، "سند برنامه سوم"، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه جلد اول، ص ۵۱.

۶-۵- الگوی رفتار رهبران^۱

در صورتی که رهبران بلند پایه سیاسی الگوی مناسبی نباشند و خود مرتکب اعمال خلاف شوند یا از تخلفات خویشاوندان، دوستان و هواداران سیاسی خود چشم پوشی کنند، نمی‌توان از کارکنان دولت انتظار رفتار دیگری داشت. در اداره های مالیات، گمرک، شرکت های دولتی و نظایر آن چنانچه مدیران و رؤسای این سازمانها و نهادها درست عمل نکنند یا به عبارتی الگوی مناسبی نباشند، نباید انتظار داشت که سازمان شان عاری از فساد مالی باشد.

۷- منشا های فساد مالی در اقتصاد ایران

مهمترین منشأهای فساد مالی در اقتصاد ایران عبارتند از :

۷-۱- انحصارها

انحصار در اقتصاد ایران به دلایل زیر وجود دارد:

سهم بسیار بالای دولت و بخش عمومی از درآمد ملی؛

مالکیت و تصدی بنگاههای عمده کشور توسط بخش دولتی و عمومی؛

سیاستهای اقتصاد کلان دولت که سبب ایجاد محدودیت های جدی برای تخصیص منابع از طریق مکانیزم

قیمتها و بازارهای رقابتی می‌شود؛

سیاستهای مداخله گرانه دولت در تجارت خارجی.

دولت خود چه مستقیماً از طریق مالکیت و کنترل و چه به طور غیر مستقیم از طریق سیاستهای

اقتصادی، عامل اصلی ایجاد و استمرار ساختار انحصاری در اقتصاد کشور است.^۲

برخی انحصارهای موجود در اقتصاد ایران به دلیل قانون اساسی (اصل ۴۴) یا قانون خاص است. قدرت

انحصاری تعداد زیادی از بنگاههای کشور خصوصاً آن دسته از بنگاههای بخش خصوصی که دارای قدرت

انحصاری هستند ناشی از رویه حمایتی دولت در تجارت خارجی است. تعرفه های بالا، محدودیتهای

مقداری، دریافت مجوز عدم ساخت در داخل برای واردات و ... از جمله موانعی هستند که سبب افزایش

قیمت کالاهای وارداتی و ایجاد شرایط انحصاری برای تولید کنندگان داخلی می‌شود. به علاوه به دلیل وجود

محدودیتهای ارزی، سهمیه بندی و نحوه تخصیص ارز، قدرت انحصاری بنگاههای دولتی تشدید نیز شده

است.

1. Examples by the leadership.

۲. سازمان برنامه و بودجه، بررسی و پیشنهاد اصول مورد نیاز قوانین ضد انحصار در کشور، ص ۴۶.

بنگاههای متعدد دولتی جهت واردات و تولید کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای ایجاد شده است. به علاوه به علت ضعف بخش خصوصی، پس اندازهای محدود این بخش و نبود نهادهای واسطه‌ای برای تمرکز پس اندازهای بخش خصوصی، دولت مستقیماً وظیفه ایجاد بنگاههای بزرگ اقتصادی را با اتکا به درآمدهای نفتی به عهده گرفته است. حتی با تبصره های تکلیفی، بانکها را ملزم به اعطای اعتبارات به بنگاههای دولتی می‌نماید. از سوی دیگر شرکتهای دولتی در جریان تولید، ادغام های عمودی ایجاد کرده‌اند که سبب گسترش قدرت انحصاری بنگاهها می‌شود. این‌گونه ادغام‌های عمودی از طریق ایجاد شرکتهای دولتی نسل دوم، سوم و ... صورت گرفته است. گسترش عمودی صنایع نفت و پتروشیمی، خودروسازی و فولاد مؤید این مسأله است.

تعداد زیادی از بنگاهها، اکثراً بنگاههای دولتی و عمومی با استفاده از مزایای خاصی که دولت برای آنها قایل شده است، موقعیت انحصاری تحصیل نموده اند. مزایای ارزی، اعتباری، امکانات فیزیکی، معافیت های مالیاتی، استفاده از اموال دولتی و عمومی، اجازه عملیات خارج از قوانین و مصوبه ها، دسترسی به اطلاعات حساس که در اختیار عموم نیست و ... از جمله این مزایا هستند. در چنین شرایطی طبیعتاً سایر بنگاهها قادر به رقابت با آنها نخواهند بود. در چند سال اخیر دولت و بخش عمومی موفق به ایجاد بنگاههای انحصاری در شبکه توزیع مصرفی (مانند: فروشگاههای زنجیره ای شهروند و یا رفاه)^۱ نیز شده‌اند.

موارد یاد شده، منشأ انحصارهای اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. مهمترین پیامدهای ساختار انحصاری در اقتصاد کشور، هدر رفتن منابع برای کسب رانت های انحصاری، توزیع سودهای انحصاری که مایوس کننده کار و تلاش و کاهش انگیزه بنگاههای انحصاری برای افزایش کارایی است. در واقع دولت و قانون گذار با ایجاد موانع ورود، مهمترین سرچشمه انحصارهای زیان آور در اقتصاد ایران هستند^۲. سیاستهای کنترل اقتصادی از طریق قیمت گذاری منابع در سطحی کمتر تعادلی و سپس تخصیص منابع از طریق مکانیزم های اداری نه تنها سبب ایجاد سودهای انحصاری برای دریافت کنندگان این منابع شده است، بلکه زمینه را برای ایجاد فساد مالی فراهم کرده است. دولت جهت تخصیص منابع مالی تعداد بنگاههایی را که به طور بالقوه می‌توانند وارد بازار شوند به دلیل تعهد ایجاد شده در صورت ورود این بنگاهها برای دریافت منابع کمیاب، ارز و اعتبارات، از طریق لزوم دریافت مثلاً "موافقت اصولی کنترل می‌نماید. لزوم دریافت موافقت اصولی برای ورود به فعالیتهای تولیدی نیز به نوبه خود سبب ایجاد سودهای انحصاری برای دریافت کنندگان این نوع موافقت نامه ها و به دنبال آن گسترش فساد مالی می‌گردد.

۱. همان، صص ۵۶ - ۴۹.

۲. فرهاد خداداد، ارزیابی قدرت و حجم فعالیتهای انحصاری در اقتصاد ایران، ص ۱۸۲.

۷-۲- ساختار اقتصادی رانت زا

ساختار اقتصاد ایران به دلیل وابستگی به نفت، ساختاری موگد رانت اقتصادی^۱ است. دریافت عواید نفتی توسط دولت باعث شده است تا دولت نیز به دولت رانتیر تبدیل شود. در حال حاضر "نفت" و "دولت"، دو رکن اصلی تولید و توزیع رانت های اقتصادی در کشور را تشکیل می دهند. توزیع رانت نفت را دولت انجام می دهد و تولید رانت از سوی دولت از طریق اعمال محدودیت بر فعالیتهای اقتصادی، صورت می گیرد.

رقابت برای تصدی برخی مدیریتهای دولتی در واقع رقابت برای کسب رانت هاست. اعطای مجوز (سرمایه گذاری و واردات) نیز منشأ ایجاد رانت است. به طور کلی کنترلهای اقتصادی موجد رانت است. رانت جویی فعالیتهایی است که در آن کسب مجوزها، سهمیه ها و استفاده از موقعیتهای انحصاری عامل کسب سودی نامتعارف باشد. به عبارت دیگر فرایندی که در آن افراد دائماً سعی در گریز از رقابت اقتصادی و کسب سودهای بالاتر از نرمال دارند.

اگر میزان رانت تولید شده در اقتصاد قابل ملاحظه باشد، افراد با استعداد جامعه، تحصیل در رشته های مرتبط با توزیع رانت (غیر فنی) را بر خواهند گزید و در نتیجه سرعت رشد دانش فنی نزول کرده و نرخ رشد اقتصادی پایین می آید.^۲ از سوی دیگر افراد با استعداد جذب مشاغل غیرتولیدی می شوند که زحمت کمتری از مشاغل تولیدی دارد و عایدی بالاتری ایجاد می کند. در واقع این مشاغل حاوی بازدهی فراینده به توانایی افراد است و به صرف اندکی بهتر بودن نسبت به همگنان می تواند عواید بالاتری کسب کند.

بنابراین وجود رانت اقتصادی، استعدادهای جامعه را به مشاغل رانتی تخصیص می دهد. مشاغلی که در آن عواید ارزی یا حقوق های بالا وجود دارد، بیشترین جاذبه را پیدا خواهد کرد و بتدریج کار کردن، ارزش خود را در مقابل رانت جویی از دست می دهد. تخصیص استعداد به رانت جویی به چند دلیل زیان آور است:

اولاً: همراه با بسط دامنه فعالیت، بخشهای رانت جو نیز توسعه یافته و نیروی کار و دیگر منابع اقتصاد را در خود جذب می کنند و لذا درآمد کاهش می یابد. حجم عظیم بوروکراسی دولتی این اثر را نشان می دهد. ثانیاً: مالیات تحمیل شده بوسیله بخش رانت جو بر بخش تولیدی، محرک ها و انگیزه های موجود برای تولید را کاهش می دهد و لذا درآمد این بخش ها سیر نزولی می پیماید.

ثالثاً: اگر مستعدترین افراد جامعه جذب فعالیتهای رانت جویانه شوند، اقتصاد کشور، کارآفرین هایی خواهد داشت که از توانمندی کمتری برخوردارند و لذا نرخ پیشرفت دانش فنی و رشد اقتصادی کاهش

۱. پرداخت به يك عامل تولید که عرضه آن نسبت به اندازه پرداخت لازم برای استفاده از آن بدون کشش باشد را رانت اقتصادی گویند. به عبارت دیگر رانت اقتصادی به هر نوع عواید ناشی از ثابت بودن عرضه يك عامل تولید اطلاق می شود. در شرایط ثابت بودن عرضه يك عامل، تابع عرضه عمودی است و در نتیجه اگر قیمت آن هماده در حد صفر یا بیشتر از آن باشد در عرضه هماده تفاوتی ایجاد نمی شود. لذا هر قدر بیشتر از صفر به هماده پرداخت شود رانت است.

2. Kevin M. Murphy et al ; 1992 ; p.2.

خواهد یافت^۱. بنابراین با حذف رانت ها، استعدادها به سمت تولید می‌روند. برآورد انجام شده نشان می‌دهد که حذف رانتهای ناشی از انحصارها در ایران می‌تواند تولید ناخالص داخلی را ۳ درصد افزایش دهد^۲. هر چند به ظاهر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بیشترین افراد با استعداد و دارای تحصیلات عالی را داراست ولی این فرضیه را می‌توان آزمود که در واقع آنها در وزارت خانه ای که رانت توزیع می‌کنند حضور دارند و عمدتاً^۳ در امور بین الملل یا مدیریت های ستادی مشغول فعالیتند. در ترکیب تولید ناخالص ملی ایران سهم بخشهای خدمات و واسطه گری بیش از سهم بخشهای تولیدی است. زیرا رانت در بخشهای غیر تولیدی توزیع می‌شود. دولت توزیع کننده اصلی رانت حاصل از مجوزها، سهمیه ها، موافقت های اصولی و... است. از نظر کروگر^۳ هزینه اجتماعی رانت جویی مازاد بر هزینه اجتماعی انحصار، از آنجا ناشی می‌شود که رقابت افراد مختلف برای کسب رانت، مستلزم صرف منابع (وقت، امکانات مادی و توانایی) است. دفاتر شرکتهای وارداتی یا بخش بازرگانی شرکتهای دولتی عمدتاً^۴ به پی گیری مراحل اداری کسب مجوز و سهمیه می‌پردازند و تنها بخش بسیار اندکی از منابع صرف خود توزیع و واردات می‌شود. باتوجه به محدودیت سهمیه ها و مجوزها، رشوه راهی برای کسب این رانت هاست.

همان‌طور که مورفی، شلاپفرویشنی^۴ بررسی نموده اند، در شرایط وجود امکان کسب درآمد از طریق رانت، استعدادهای جامعه به‌جای نوآوری و خلاقیت به سوی کسب رانت می‌رود و لذا رشد اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. کسانی که به‌دنبال کسب رانت باشند، درآمد آنها از محل توزیع مجدد ثروت از دیگران به خودشان تأمین می‌شود نه از مشارکت در تولید.

یکی از مهمترین دلایل وجود تمرکز در اداره امور کشور همین رانت است که از مرکز توزیع می‌شود. رشد پایتخت و مراکز استانها در مقایسه با شهرستانها و روستاها نیز به همین دلیل می‌باشد. ریشه اصلی تقاضا برای استانهای جدید (قم، قزوین، اردبیل و گلستان) در فاصله ده ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ دسترسی بیشتر به منابع مالی متمرکزی است که در اختیار دولت مرکزی قرار دارد و سطح مدیریت استانی می‌تواند سهم بیشتری از منابع دولت را مطالبه کند.

سهمیه بندی امتیازات واردات کالا، تعیین سهمیه های صادراتی، قیمت گذاری پایین محصولات کشاورزی، پایین نگاه داشتن نرخ ارز، مجوزهای مربوط به تاسیس واحد های صنعتی، تخصیص زمینهای دولتی و عمومی، واگذاری امکانات دولتی مانند: برق و آب، تخصیص اعتبارات بانکی از طریق کانالهای تصمیم گیری فردی و اداری، قیمت گذاری در سطحی پایین تر از قیمت تعادلی برای محصولات خصوصی و دولتی و ... به ابزارهایی تبدیل شده‌اند که از طریق آنها درآمد حاصل از صادرات نفت و درآمد ناشی از تولیدات بخش عمومی و بتدریج قسمتی از حاصل تولید تولید کنندگان غیر دولتی مانند کشاورزان در

1. Ibid , P.6.

۲. سازمان برنامه و بودجه، "بررسی و پیشنهاد اصول مورد نیاز در تنظیم قوانین ضد انحصار در کشور، ص ۱۶.

3. Anne.o Krueger; "The Political Economy of the Rent – Seeking"; The American Economic Review; June 1974.

4. Avdrej Shleifer and Robert Vishny; Ibid.

کانالهای خاصی هدایت شده و بعضاً" در میان گروههای اجتماعی که در تصمیم گیری های بوروکراتیک نفوذ دارند، توزیع مجدد می شود^۱.

۳-۷- فقر عمومی

طی چند دهه اخیر جمعیت کل کشور به سرعت افزایش یافته است، اما تولید ناخالص داخلی واقعی کشور همپای آن رشد نکرده است. از این رو سبب شده است درآمد سرانه واقعی کشور طی دوره مورد بحث روند نزولی بپیماید. به گونه ای که درآمد سرانه واقعی در سال ۱۳۷۹ به ۲۳۴/۲ هزار ریال رسیده است که از درآمد سرانه ۱۳۶۴ سال پایین تر است. فقر عمومی باعث می شود برای دستیابی به امکاناتی که از طریق معمولی امکان پذیر نیست، برخی به فساد مالی متوسل شوند. جدول شماره (۲) روند درآمد سرانه طی سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۹ را نشان می دهد.

۱. محمد طبیبیان ، رانت اقتصادی ، ص ۲۰.

جدول ۲- درآمد سرانه واقعی (۷۹-۱۳۶۴)

سال	درآمد سرانه واقعی (هزار ریال)
۱۳۶۴	۲۴۴
۱۳۶۵	۲۱۲/۳
۱۳۶۶	۱۹۵/۳
۱۳۶۷	۱۷۲/۶
۱۳۶۸	۱۵۴/۹
۱۳۶۹	۱۷۲/۸
۱۳۷۰	۱۹۰/۹
۱۳۷۳	۲۰۲/۱
۱۳۷۴	۲۰۸/۵
۱۳۷۵	۲۱۸/۴
۱۳۷۶	۲۲۲/۶
۱۳۷۷	۲۲۲/۸
۱۳۷۸	۲۲۶/۲
۱۳۷۹	۲۳۴/۲

۸- آزمون فرضیه ها

برای آزمون فرضیه های سه گانه یاد شده، از ضریب همبستگی استفاده می کنیم. ضریب همبستگی، درجه وابستگی میان دو متغیر را اندازه گیری می کند. مقدار ضریب همبستگی از ۱- (همبستگی منفی کامل) تا ۱+ (همبستگی مثبت کامل) تغییر می کند. ضریب همبستگی دو متغیر تصادفی X و Y در جامعه براساس رابطه زیر تعریف می شود:

$$E(X - \mu_x)(Y - \mu_y) = \text{cov}(X, Y)$$

$R =$ ضریب همبستگی

$$V E(X - \mu_x)^2 V E(Y - \mu_y)^2 = \sum x \sum y$$

ضریب همبستگی نمونه به طریق زیر محاسبه می شود:

$$\sum (X_i - X) (Y_i - Y)$$

$R =$

$$V \sum (Y_i - Y)^2 V \sum (X_i - X)^2$$

$$n \sum XY - \sum X \sum y$$

$R =$ _____

$$n\sum Y_i^2 - (\sum y_i)^2 \quad i^2 - (\sum X \quad Vn \quad \sum X_i^2$$

بر اساس ارقام مندرج در پیوست شماره (۱) مقاله، نتایج محاسبه ضریب همبستگی میان تعداد پرونده های فساد مالی (Y) و درآمد نفت و گاز (X_۲) (رانت) و درآمد سرانه واقعی (فقر عمومی) (X_۱) و سهم دولت در اقتصاد (نسبت مخارج بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی) بشرح جدول شماره (۳) می باشد.

جدول ۳ - ضریب همبستگی پرونده های فساد مالی با برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران

	X _۱	X _۲	X _۳	Y
X _۱	۱			+/۹۷
X _۲		۱		+/۷۴
X _۳			۱	+/۷۳
Y	+/۹۷	+/۷۴	+/۷۳	۱

X_۱: درآمد سرانه واقعی (فقر عمومی)

X_۲: درآمد نفت و گاز (رانت اقتصادی)

X_۳: سهم دولت در اقتصاد (نسبت مخارج بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی)

Y: تعداد پرونده های مختومه اختلاس، ارتشاء و جعل در دادگاههای عمومی (فساد مالی)

ضریب همبستگی تعداد پرونده های فساد مالی با درآمد سرانه واقعی مثبت و معادل +/۹۷ می باشد که به معنای همبستگی مثبت شدید است. ضریب همبستگی تعداد پرونده های فساد مالی با درآمد نفت و گاز (رانت) نیز معادل +/۷۳ است که همبستگی مثبت و بالایی را نشان می دهد.

اما برای تفسیر معنی دار از ضریب همبستگی باید به ضریب تعیین (R²) که توان دوم ضریب همبستگی است متوسل شویم. ضریب همبستگی برابر ۰/۹ و ۰/۷ و ۰/۷ به ترتیب دارای ضریب تعیین ۰/۸۱ و ۰/۴۹ و ۰/۴۹ است. بر این اساس ۸۱ درصد از تغییرات مربوط به تعداد پرونده های فساد مالی (متغیر Y) را می توان با تغییرات درآمد سرانه واقعی توضیح داد. اما تنها ۴۹ درصد از تغییرات مربوط به پرونده های فساد مالی با تغییرات درآمد نفت و گاز و سهم دولت در اقتصاد قابل توضیح است. بنابراین شدت همبستگی فساد مالی و درآمد سرانه واقعی حدود دو برابر شدت همبستگی فساد مالی و درآمد نفت و گاز (رانت) و سهم دولت در اقتصاد است. هر چند الزاماً دلالت بر رابطه علت و معلولی ندارد.

۹- اصلاحات اقتصادی برای مبارزه با فساد مالی در ایران

فساد مالی پدیده‌ای چند بعدی است و به همین جهت مبارزه با آن باید در چند جبهه صورت گیرد. در جبهه اقتصادی مهمترین اصلاحات اقتصادی برای مبارزه با فساد مالی براساس آزمون فرضیه‌ها عبارتند از:

۹-۱- پی‌گیری سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی

رشد اقتصادی باعث افزایش درآمد ملی کشور شده و در نتیجه درآمد سرانه را ارتقاء می‌بخشد. افزایش درآمد سرانه، فقر جامعه را بهبود بخشیده و جرم خیزی اقتصاد را کاهش می‌دهد. سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی در برنامه سوم بخوبی تدوین شده است و از این رو از تکرار آنها در مقاله خودداری می‌کنیم.

۹-۲- اصلاح نقش و وظایف دولت در اقتصاد

مبارزه با فساد مالی مستلزم بازنگری نقش و وظایف دولت است. بازنگری نقش و وظایف دولت باید به گونه‌ای انجام شود که بتوان عرضه و تقاضای (انگیزه) فساد مالی در دستگاههای دولتی را کاهش داد.

۹-۲-۱- کاهش تقاضای فساد مالی در دستگاههای دولتی

مؤثرترین شیوه اصلاحات آن است که کمترین فرصت و شرایط را برای سوء استفاده کارکنان دولت فراهم آورد. بدین منظور باید به اصلاح قوانین و برنامه‌های ناسالمی پرداخت که احتمال سوء استفاده از آنها وجود دارد. در صورتی که دولت برای نظارت بر امور صادرات و واردات، مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی و مجوزهای ذی ربط، حداقل مقررات لازم را داشته باشد، انگیزه پرداخت رشوه و آشنابازی نیز به حداقل می‌رسد.

شفاف کردن و کارآمد ساختن قوانین موجود برای کاهش اختیارات فراوان کارکنان و مدیران دولت یکی از راهکارهای پیشنهادی است. با حمایت از مالیاتهای ساده اجباری و قوانین مالی و نظارتی کارآمد، از بروز فساد مالی جلوگیری می‌شود. با انجام این اصلاحات، دو عامل شفافیت و توجیه‌پذیری قوانین، انگیزه‌های سوء استفاده را کاهش می‌دهد.

سیاست‌هایی که کنترل دولت را بر بازرگانی خارجی کاهش دهد، موانع خصوصی سازی را رفع کند و رقابت را در شرکت‌های دولتی قابل واگذاری افزایش دهد، در مبارزه با فساد مالی حایز اهمیت است^۱. از سوی دیگر دولت می‌تواند با فروش امتیازها، فساد مالی در اخذ امتیازهای انحصاری را کاهش دهد^۲. فرایند خصوصی سازی نیز از آنجا که شرکت‌کنندگان در خرید کارخانجات سعی می‌کنند شرکت را هرچه ارزاتر

۱. بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، ص ۲۶۴.

۲. همان، ص ۲۶۷.

خریداری کنند و در این راه به هر وسیله ای متوسل می‌شوند. اصلاح لازم در این زمینه، شفاف سازی تمامی فرایند واگذاری است.

۹-۲-۲- کاهش عرضه فساد مالی در دستگاههای دولتی

اصلاحات اداری از بروز انگیزه های فساد مالی در کارکنان دولت جلوگیری می‌کند. فساد مالی معمولاً ریشه در سلسله مراتب ساختار اداری دارد. برای از بین بردن چنین ساختاری یک سازمان دهی جدید و اساسی با مبانی زیر مورد نیاز است:

نخست آنکه با ایجاد رقابت در درون مجموعه دولت می‌توان از آلوده شدن کارکنان جلوگیری کرد. در صورتی که پرداخت کنندگان با هدف به دست آوردن مجوزها و امتیازهای غیرقانونی، رشوه پرداخت کنند، وجود اختیارات رقابتی اداری باعث می‌شود امکان فساد مالی کاهش یابد. خصوصاً آنکه همواره بخش عمده کارکنان دولت درست و صادقانه کار می‌کنند لذا متقاضیان واجد شرایط به آنها متوسل می‌شوند و بدین ترتیب احتمال سوء استفاده ضعیف می‌شود. درستی و صداقت بخشی از کارکنان موجب می‌شود سایر کارکنان نیز به همان ترتیب عمل کنند و در نتیجه مزایای کمتری نصیب کارکنان فاسد می‌شود. در صورتی که فساد نظام اداری خیلی بغرنج نباشد، کارکنان درست کار به راحتی می‌توانند آن را در مجموعه خود ریشه کن کنند.

دوم اینکه دولت باید شرایط سختی برای کارکنان فاسد ایجاد کند؛ به نحوی که قادر به سازمان دهی و حفظ انسجام خود یا پذیرش تقاضای پرداخت کنندگان رشوه نباشند. پرداخت کنندگان گاهی به این نتیجه می‌رسند که شکست خوردگانی هستند که بهتر است درست کاری و صداقت پیشه کنند و تاکنون قربانی اخاذی و کلاهبرداری بوده اند.

۹-۲-۳- اصلاح نظام حقوق و مزایای کارکنان دولت

هنگامی که دولت به کارکنان خود حقوق و مزایای اندکی پرداخت می‌کند، آنان برای گذران زندگی به راه های غیر قانونی یا شغل دوم متوسل می‌شوند. تا زمانی که به کارکنان متخصص بخش دولتی حقوق و مزایای کمتری نسبت به کارکنان دیگر بخش ها - با همان تخصص - پرداخت شود، بدون شک بخش دولتی جاذبه ای جز برای کسانی که صرفاً با هدف دیگری یا از ناچاری قصد استخدام دولتی دارند، نخواهد داشت^۱. میزان حقوق و مزایای کارکنان دولت باید با پرداخت های بخش خصوصی نزدیک باشد تا کارکنان تشویق شوند که بدون توسل به کارهای خلاف، در سازمان های متبوع خود خدمت کنند. مضحک است که از کارمندان دولت در حالی که حقوق شان پاسخ گوی خدمات صادقانه شان نیست، خواسته شود در مبارزه

1. U.N.D.P , "Corruption and Good Governance" ; P. 45.

علیه فساد مالی شرکت کنند^۱. شاخص تقریبی برای ارزیابی کفایت حقوق و مزایای بخش دولتی، فاصله میان حقوق و مزایای بخش دولتی و خصوصی است. البته این فاصله را باید با لحاظ این واقعیت که استخدام در دستگاه دولتی امن تر است تعدیل کرد^۲. استخدام و ترفیع براساس شایستگی نیز در کاهش فساد مالی، جذب کارکنان خوب و افزایش کارایی مؤثر است.

۹-۲-۴- به کارگیری خط مشی بازدارنده در دستگاههای دولتی

برای بازدارندگی باید مجازات ها تشدید شود. بدین منظور رقم رشوه نباید ملاک عمل باشد، بلکه دولت باید از مقام های دولتی که صحت تخلف آنها محرز شده است، چند برابر جریمه دریافت کند و رشوه دهندگان نیز باید چند برابر منفعتی که به طور غیر قانونی کسب نموده اند، جریمه شوند. در صورتی که شرکت های ذی نفع همواره به دنبال معاملات خلاف بوده، سعی کنند که به کارکنان دولت رشوه پرداخت کنند، باید آنها را به نحوی محدود کرد که تا چند سال دیگر نتوانند هیچ ارتباط و معامله ای با مجموعه های دولتی داشته باشند.

از سوی دیگر تهیه اسناد، مدارک و شواهد مبنی بر تخلف افراد نیز بسیار دشوار است، زیرا هر دو طرف - رشوه دهنده و رشوه گیرنده - نهایت سعی خود را در مخفی نگه داشتن موضوع به عمل می آورند. بنابراین دولت باید قوانینی وضع کنند که از افشا کنندگان حقایق در بخش های خصوصی و دولتی حمایت همه جانبه به عمل آید. براساس یکی از قوانین ایالات متحده آمریکا، به کسانی که مشکلات و نقص های قراردادهای دولتی را مطرح کنند، پاداش داده می شود. واضح است که در شرایط عادی حمایت از افشا کنندگان تخلف ها معنا ندارد، مگر اینکه سیستم قضایی امور را به درستی پیگیری کند، دادگاه ها فاسد نباشد و افراد صالحی آنها را اداره کنند و مجازات هایی که برای متخلفان منظور و اعمال می شود قدرت و توان بازدارندگی لازم را داشته باشد^۳. وجود نهاد مستقل و سخت گیر مبارزه با فساد مالی می تواند به عنوان ابزاری قوی عمل کند و نشان دهنده تعهد دولت به مبارزه با فساد مالی باشد.

۹-۳- سیاستهای رانت زدایی از اقتصاد

مهمترین سیاستهای رانت زدایی از اقتصاد عبارتند از :

- حذف تدریجی تخصیص منابع از طریق تصمیمات اداری و فردی: تخصیص منابع باید خارج از حدود اختیارات اشخاص باشد و به قانون و مکانیزم ها (مانند: مکانیزم بازار رقابتی و قیمتها) واگذار شود. البته تا زمانی که بازارها به صورت ناقص هستند، می توان از طریق ایجاد رقابت، مکانیزم های انتقال اطلاعات و امکان ورود شرکتهای جدید، اقدام نمود.

۲. رابرت کلینگارد، چه می توان کرد، ص ۳۷.

۳. بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، ص ۲۳۷.

1. U.N.D.P, "Corruption and Good Governance" ; 1997 ; PP.51-73.

- جایگزینی مجوزها، معافیت ها و سهمیه ها: در این زمینه جایگزینی تعرفه گمرکی به جای سهمیه وارداتی، حراج سهمیه وارداتی، حذف مجوزهای غیر ضروری و لغوتدریجی امتیازهای انحصاری و معافیتها می تواند به عنوان سیاست دولت در نظر رفته شود.

- حذف تدریجی عواید نفتی از درآمدهای بودجه عمومی: از زمان برنامه سوم قبل از انقلاب که برنامه های عمرانی از حالت جمع طرح ها به برنامه ریزی جامع تغییر یافت، عواید نفتی در ردیف درآمدهای دولت قرار گرفت و در هزینه های جاری و عمرانی به مصرف رسید. دستگاههای اجرایی نیز ابزار توزیع رانت نفتی شدند و دولت رانتیر^۱ شکل گرفت و توسعه یافت.

ویژگیهای عمده دولت رانتیر آنست که: رانت، بخش عمده درآمد دولت (۴۲٪ یا بیشتر) را تشکیل دهد؛ رانت، از خارج کشور تامین شود و ارتباطی با فرایند تولید در اقتصاد داخلی نداشته باشد؛ اکثر جامعه دریافت کننده یا توزیع کننده رانت باشند؛ دولت رانتیر دریافت کننده اصلی رانت خارجی است و در هزینه نمودن آن نقش اساسی ایفا می نماید. بدین ترتیب بیشتر کشورهای صادر کننده نفت دولتهای رانتیر هستند^۲. از جمله آثار منفی رانت بر اقتصاد این است که باعث حاکم شدن نوعی روحیه رانتی در اقتصاد می شود و گزاره "کار و کوشش علت ثروتمند شدن است" خدشه دار می گردد و شانس علت ثروتمند شدن است، جای آنرا می گیرد. روحیه رانتی پدیده اقتصاد توزیعی^۳ را به دنبال می آورد که در مقابل اقتصاد تولیدی است^۴. در چنین شرایطی برای رانت زدایی از اقتصاد باید بتدریج منابع رانتی را از بودجه دولت کاهش داد و جایگزین دیگری برای آن اندیشید. بدین منظور در اقتصاد ایران می توان الگوی سازمان برنامه و بودجه را در سالهای برنامه دوم قبل از انقلاب یا صندوق ذخیره ارزی (در حال حاضر) به عنوان طرح اولیه، مورد توجه قرار داد.

۹-۴- پیگیری سیاستهای ضد انحصار و ایجاد رقابت در اقتصاد

سیاستهای انحصار زدایی و ایجاد رقابت از رئوس برنامه سوم کشور است که در حال حاضر دولت آنرا در برنامه کار خود دارد.

۱. دولت رانتیر دولتی است که کالاها و خدمات و منابع طبیعی را به قیمتی بالاتر از هزینه تولید آنها به فروش می رساند و دریافتی کسب می کند.

۲. امیر محمد حاجی یوسفی، رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم، ص ۱۵۳.

3. Circulation economy.

۴. همان، ص ۱۵۴.

۱۰- نتیجه گیری و پیشنهادها

فساد مالی یکی از چالش‌های کنونی اقتصاد ایران است و با ۱۳ برابر شدن پرونده‌های اختلاس، ارتشاء و جعل طی هفت سال اخیر، دامنه این پدیده شوم بسرعت گسترش یافته است. دخالتها و تصدی‌های غیر ضروری دولت در اقتصاد، نظام وصول مالیات و تخصیص بودجه ناکارآمد و غیر شفاف، قاعده مند نبودن برخی تصمیمات اقتصادی و عرضه کالاها به قیمت پایین، محدودیت های تجاری و دستمزدهای پایین دولتی مهمترین عوامل اقتصادی موثر بر فساد مالی در اقتصاد ایران هستند. اما یکسری عوامل غیر اقتصادی نیز زمینه ساز وقوع فساد مالی در ایران است.

وضعیت نظام بوروکراتیک، نظام مجازات، ضعف کنترل‌های نهادی، نبود شفافیت در قوانین و رویه ها و الگوی رفتار دولتمردان از این دسته اند. سه متغیر مهم که دارای همبستگی با فساد مالی در اقتصاد ایران است، عبارتند از: انحصارها، اقتصاد رانتی و فقر عمومی. برای مبارزه با فساد مالی در اقتصاد ایران پیشنهاد می‌شود: سیاستهای رشد و توسعه اقتصادی به‌طور جدی پیگیری شود، نقش و وظایف دولت در اقتصاد مورد بازنگری قرار گیرد، سیاستهایی برای رانت زدایی از اقتصاد اتخاذ گردد و سیاستهای ضد انحصار و ایجاد رقابت که در برنامه سوم مطرح شده است، جداً مورد عمل قرار گیرد.

فهرست منابع

الف - فارسی

- ۱- آندریا مبلومیادانا، رُشل؛ "فساد و آشنا بازی"؛ پیام یونسکو، شماره ۳۱۳، آذر ۱۳۷۵.
- ۲- بانک جهانی؛ "نقش دولت در جهان در حال تحول"؛ ترجمه: گروه مترجمان؛ انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۸.
- ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ "گزارش اقتصادی و ترازنامه"؛ سالهای ۷۹-۱۳۶۴.
- ۴- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ "رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم: یک بررسی مفهومی"؛ ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم، شماره‌های ۱۲۶ - ۱۲۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۶.
- ۵- خداداد کاشی، فرهاد؛ "ارزیابی قدرت و حجم فعالیتهای انحصاری در اقتصاد ایران"؛ انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی؛ خرداد ۱۳۸۰.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه؛ "مطالعات آماده سازی تدوین برنامه سوم توسعه: بررسی و پیشنهاد اصول مورد نیاز در تنظیم قوانین ضد انحصار در کشور"؛ جلد دوم، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تیر ۱۳۷۸.
- ۷- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛ "قانون بودجه کل کشور"؛ سالهای ۱۳۷۹ - ۱۳۷۳.
- ۸- صالحی اصفهانی، هادی و طاهری پور، فرزاد؛ "مخارج خارج از بودجه و سیاست مالی در ایران در اقتصاد ایران"؛ تدوین و تنظیم: محمد طیبیان؛ مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، پاییز ۱۳۷۸.
- ۹- طیبیان، محمد؛ "رانت اقتصادی به عنوان یک مانع توسعه"؛ برنامه و توسعه، دوره دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱.
- ۱۰- عباس زادگان، محمد و مجتبی سیدکباری؛ "اثر قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا"؛ مجموعه مقالات همایش قاچاق کالا، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۰.
- کلیتگارد، رابرت؛ "چه می‌توان کرد؟"؛ پیام یونسکو، شماره ۳۱۳، آذر ۱۳۷۵.
- مرکز پژوهشها؛ "ثروتهای بادآورده، زمینه‌ها و هزینه‌ها"؛ ماهنامه مجلس و پژوهش، شماره ۱۲، آذر ۱۳۷۳.
- نوفرستی، محمد؛ "آمار و کاربردهای آن در اقتصاد و بازرگانی"؛ جلد دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۶.
- ۵- لويس، فلورا؛ فساد مالی پدیده ای جهانی"؛ پیام یونسکو، شماره ۳۱۳، آذر ۱۳۷۵.
- ۱۰- مرکز آمار ایران؛ سالنامه آماری کشور"؛ سالهای ۱۳۷۳ - ۱۳۷۹.

- 1- Abbink , Klaus ; "*Fair Salaries and the Moral Costs of Corruption*"; Bonn Econ . Discussion Papers ; March 2000.
- 2- Cabelkova , Inna ; "*Corruption : Economic Perspective and Historical Prerequisites in the Past Soviet Union Countries*" ; C.E.R.G.E. – EI ; 2001.
- 3- Krueger , Anne , O. ; "*The Political Economy of the Rent - Seeking*" ; The American Economic Review ; June 1974.
- 4- Leite , Carlos Jens Weidmann ; Does Mother Nature Corrupt ? Natural Resources , Corruption and Economic Growth ; I.M.F Working Paper ; 1999.
- 5- Mauro , Paolo ; "*Corruption : Causes , Consequences and Agenda for Further Research*" ; Finance & Development ; March 1998.
- 6- Mauro , Paolo ; "*Why Worry about Corruption*" ?; I . M . F, Economic Issues ; No. 6 ; 1997.
- 7- Murphy , Kevin , M & Andreh Schleifer & Robert W . Vishny ; "*The Allocation of Tallent : Implications for Growth*" ; Quarterly Journal of Economics ; 1992.
- 8- Passas , Nikos ; "*Causes and Consequences of Corruption*" ; 8 th International Anti – Corruption Conference ; 1997.
- 9- Shleifer , Andrej and Robert Vishny ; "*Corruption*" ; Quarterly Journal of Economics ; August 1993.
- 10- Tanzi , Vito ; "*Corruption Around the World , Causes , Consequences , Scope and Cures*" ; I . M . F Ctaff Papers ; Vol. 45 ; No. 4 ; Dec. 1998.
- 11- Tanzi , Vito ; "*Corruption in the Public Finances*" ; 8th International Anti-Corruption Conference ; 1997.
- 12- Treisman , Daniel ; "*The Causes of Corruption : A Cross – National Study*" ; Journal of Public Economics; Vol. 76 ; 2000.
- 13- U.N.D.P ; "*Corruption and Good Governance*" ; Discussion Paper ; No.3; July 1997.

پیوست ۱- پرونده های فساد مالی و آمارهای کلان اقتصادی ایران (۷۹-۱۳۷۳)

سال	تعداد پرونده های مختومه اختلاس، ار و جعل در دادگاههای عمومی (هزار عدد)	درآمد ملی (میلیارد ریال و به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۱)	جمعیت کل کشور (هزار نفر)	تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (میلیارد ریال و به قیمت های جاری)	پرداخت های بودجه کل کشور (میلیارد ریال)	درآمد نفت و گاز (میلیارد ریال)
۱۳۷۳	۱۴/۳	۱۱۸۰۰/۲	۵۸۳۶۷/۸	۱۲۹۳۵۰/۸	۷۰۲۲۹/۸	۲۱۴۷۹/۷
۱۳۷۴	۸۴/۳	۱۲۳۴۶/۲	۵۹۲۱۱/۴	۱۸۰۸۰۰/۱	۹۶۰۵۹/۵	۲۹۴۳۱/۲
۱۳۷۵	۱۰۲/۶	۱۳۱۱۵/۷	۶۰۰۵۵	۲۳۹۷۰۹/۳	۱۳۷۲۴۲/۶	۳۸۱۵۳
۱۳۷۶	۱۲۷/۱	۱۳۵۶۰/۷	۶۰۹۹۴	۲۸۰۹۰۸/۲	۱۸۸۶۶۲	۳۶۴۴۶/۷
۱۳۷۷	۱۴۱/۳	۱۳۷۷۰/۶	۶۱۸۴۲	۳۱۶۶۴۶/۳	۲۳۰۴۴۰/۳	۲۲۶۱۹/۹
۱۳۷۸	۱۶۳/۶	۱۴۲۰۹/۱	۶۲۸۱۷	۴۱۹۵۸۶/۹	۲۷۶۲۱۵/۱	۴۴۴۸۷/۶
۱۳۷۹	۱۸۹	۱۴۹۴۷/۹	۶۳۸۶۲	۵۴۹۷۳۹/۱	۳۶۰۶۶۸/۱	۵۹۴۴۸/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران "سالنامه آماری کشور"، سالهای ۱۳۷۹ - ۱۳۷۳ (در مورد پرونده های فساد مالی) و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، "گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای ۷۹ - ۱۳۷۳" (در مورد آمارهای کلان اقتصادی ایران) و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، "قانون بودجه کل کشور"، سالهای ۷۹ - ۱۳۷۳ (در مورد آمار پرداخت های بودجه کل کشور).